

نماد دریا و خورشید در آثار آلبر کامو

دکتر آناهیتا سادات قائم مقامی
عضو هیات علمی واحد تهران مرکزی
دانشکده زبانهای خارجی

چکیده :

آلبر کامو نویسنده بزرگ قرن بیستم ، طلایه دار فلسفه پوچ گرایی در آثار خود از نمادهای فراوانی بهره می گیرد. یکی از نمادهای با اهمیتی که وی بر آن تکیه دارد نماد طبیعت است که در تمامی آثار او به چشم می خورد. او که در کشور الجزایر به دنیا آمده همواره در کنار دریا و نور خورشید زندگی کرده است . در اکثر کتاب هایش اوبه این دو نماد معین دریا و خورشید تکیه فراوانی دارد خورشید نماد روشنگری ، نماد عقل و درایت و زندگی بخش است . اما همین نماد خود نشانی از مرگ و نیستی است . دریا نیز نماد بیگانگی و مهربانی است . می توان گفت که نماد خورشید و دریا در آثار او همواره نقش دوگانه دارند. این عناصر هم نشانی از زندگی هم نشانی از مرگ دارند .

کلید واژه ها:

نماد ، دریا ، خورشید ، زندگی ، مرگ ، دو گانگی

مقدمه:

آلبر کامو « Albert Camus » نویسنده بزرگ و توانای قرن بیستم نامی آشنا برای همگان است. توجه او به انسان گرایی و شرایط اجتماعی انسان به ویژه فقر و شرایط انسان در بند استعمار غرب همواره مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. پوچ گرایی « L'Absurdité » او که همانا نتیجه همین شرایط انسانی است و در مرحله بعد عصیان او در مقابل پوچ گرایی همواره در محافل ادبی مورد بحث بوده و هست، اما در باره دنیای نمادین این نویسنده بزرگ قرن بیستم کمتر صحبتی به میان آمده است. در این مقاله سعی بر آن داریم تا با بررسی دنیای نمادین خصوصاً دو نمادبر گرفته شده از طبیعت یعنی دریا و خورشید در آثار آلبر کامو به ضمیر ناخودآگاه این نویسنده و روزنامه نگار آزادی خواه قرن بیستم پی برده و از این طریق به دنیای جهان طبیعت این نویسنده دست یازیم.

بحث و بررسی:

پیش از بررسی نماد طبیعت در آثار آلبر کامو نگاهی به روانکاوی و نقد روانکاوانه **Psycho-critique** می اندازیم تا بهتر نماد را دریابیم. روانکاوی در واقع همان بررسی ناهنجاری هایی است که از ابتدا در روان انسان به دلایل مختلف به وجود آمده است. انسان در برخورد با مسائل خانوادگی و اجتماعی تغییر می یابد. او از اوان کودکی با مسائلی مواجه می شود و رنج ها و دردهایی را در خود نگه می دارد که خود این مسائل زمینه ساز مشکلات فراوان او در دوران جوانی و بزرگسالی می شود، زیرا او از بازگویی آنها ابا دارد. در

نتیجه این مشکلات و مسائل در نهان او جمع می شود ولی نویسنده با بازگویی نهان خود به صورت نماد، خیال و رویا به نوشتن روی می آورد و مشکلات خود را در قالب نماد بیان می کند. با بررسی عمیق نوشته های یک نویسنده می توان به نهان او پی برد و پرده از اسرار او برداشت.

در فرهنگ نمادها (Chevalier, ۱۹۶۹: ۴۵۳) "نماد در معنای اولیه خود همانا نیمه پنهان چیزی است؛ نیمه ای که خواننده همواره در پی کشف آن است" ژیلبرت دوران Gilbert Durand، منتقد فرانسوی بر این اعتقاد است که "نماد، نشانه مدلول و معنا است که همواره در پس پرده ای قرار دارد و خود را به وضوح و روشنی به خواننده نشان نمی دهد." (Durand, ۱۹۶۸: ۳۴) نماد از نظر دوران همان نشانه *Signe* است که با رسیدن و کشف این نشانه و پرده برداشتن از آن می توانیم به دنیای درونی نویسنده پی ببریم. آلبر کامو خود در کتاب «رساله» می گوید: «معنای نماد از شخصی که آن را به کار می برد فراتر رفته زیرا خود او آگاهی کامل به آن ندارد. زیرا رازی است که در ضمیر ناخودآگاه او به وجود آمده است.» (Camus, ۱۹۶۵: ۲۰۱)

حال که معنای نماد را تا حدی تعریف کردیم، به بررسی نماد طبیعت در آثار آلبر کامو می پردازیم. نماد در آثار آلبر کامو به بخش های عمده ای تقسیم می شود که مهمترین آنها همانا نماد طبیعت است. با خواندن آثار آلبر کامو همواره ردپای طبیعت را در نوشته های او می بینیم اما نماد خورشید و دریا بیش از هر نماد دیگر او به چشم می خورد.

آلبر کامو که در کشور الجزایر در آفریقا زندگی می کرد همواره تحت تأثیر نور خورشید و دریای مدیترانه قرار داشت. بیهوده نیست که اثر نور خورشید قاره آفریقا و همچنین آبهای مدیترانه به خوبی در آثار او یافت می شود. این تأثیر آنقدر زیاد است که حتی در کتاب "بیگانه" (L'Étranger) نام قهرمان داستان خود را (Meursault) گذارد که در زبان فرانسه تلفیقی از واژه های دریا و خورشید است.

آثار آلبر کامو مملو از زیبایی های طبیعت، نورها و رنگ ها است. در بیشتر آثار او دریا و خورشید نقش اصلی و اساسی را ایفا می کنند.

می دانیم که انسان همواره در پی کشف طبیعت و زیبایی ها و رازهای آن است. او همواره با طبیعت در ارتباط مستقیم است. زیرا او از طبیعت به وجود آمده، با او می زید و به او باز می گردد. طبیعت آنقدر دربر خی از انسان ها تأثیر می گذارد که خود را فراموش کرده، در این دنیای نمادین غرق می شود. کامو در کتاب «رساله» خود می گوید: «می دانیم که میلیون ها چشم این دشت را نظاره کرده اند اما برای من مانند اولین لبخند آسمان است. این دشت مرا از خود بیخود کرده و به من اطمینان می دهد که بدون عشق آن و این فریاد زیبای سنگ، همه چیزهای دیگر بیهوده هستند. جهان زیباست و چیزی زیباتر از آن نیست. این زیبایی این حقیقت را در من به وجود می آورد که روح و قلب در مقابل این زیبایی دشت چیزی نیستند.» (Camus, ۱۹۶۵: ۸۷) بله طبیعت همه چیز آلبر کامو است. طبیعت هم زندگی است و هم مرگ است. نماد در نوشته های کامو همانا اجزای طبیعت یعنی زمین، خاک، آسمان، دریا، باد و نور خورشید هستند.

کوچکی انسان در مقابل طبیعت ، انسان را وادار می سازد تا بیشتر و بیشتر به درون خود پی برده و پرده از راز دل خود بردارد و به عمق زندگی برسد. و به قول کامو این راه میسر نمی شود " مگر زندگی در زیر نور خورشید و در کنار دریا که همانا نمادی از زندگی هستند." (Camus, ۱۹۶۵:۳۸۳)

نور خورشید در آثار کامو همان روشنگری و نماد عقل و درایت است . زیرا همانطور که خود کامو می گوید: « عقل و درایت ، هوش و ذکاوت خواهران نور و روشنایی هستند » (Camus, ۱۹۶۵:۷۰۳) که ما را به سر منزل خوشبختی می رسانند . اما همین نور خورشید در آثار کامو چهره ای دوگانه دارد. نور خورشید هم زندگی بخش است و هم مرگ را به همراه می آورد . او به همه چیز، زندگی می بخشد اما همه چیز را نیز از بین می برد و در خود ذوب می کند. قدرت زندگی با نور خورشید توأم است اما همین خورشید ذهن انسان را از حالت طبیعی خارج می کند و او را از پای در می آورد. نماد خورشید در آثار کامو نشانگر جنس مذکر است و نشانی از قدرت پدر دارد. اما پدر نیز در زیر همین نور خورشید در جنگ جهانی از بین رفته و آلبر و خانواده اش را تنها رها کرده است . مادر نیز بعد از سال ها کار و زحمت در زیر همین نور خورشید به خاک سپرده شده است . دریا در آثار کامو نماد ما در است یعنی نماد بیگانگی و نماد مهربانی. مادر کامو که تقریباً نیمه کر بود، نمی توانست با فرزندانش به خوبی ارتباط برقرار کند اما همواره با کودکانش با مهربانی رفتار می کرد اما قهرمان کتاب « بیگانه » ، مرسو ، مادر مهربان را در زیر نور خورشید به خاک می سپارد زیرا نور خورشید هم پاک کننده و هم از بین برنده انسان ها است . مرسو از

گرمای نور خورشید می هراسد. گرمای خورشید او را از حالت طبیعی خارج کرده و برای رسیدن به دریایی که شاید از نظر او نوعی آزادی و آزادگی است به هر کاری دست می زند. نور خورشید چشمان قهرمان داستان «بیگانه» را نابینا می کند و او را به سوی مرگ و نیستی می کشاند. او را به مرحله ای می رساند که برای فرار از نور خورشید و گرمای آن، انسان دیگری را به قتل می رساند تا به سر پناه دیگری که نوری در آن نیست برود و خود رادر آن محصور کند. در واقع او نور خورشید را از بین می برد تا به دریا که همانا نمادی از مادر است برسد.

همانطور که نور خورشید زندگی بخش است، گرمای آن نیز آزار دهنده است و انسان را از حالت طبیعی خارج می کند. اما آیا می توان بدون خورشید زندگی کرد؟ مسلماً خیر؛ زیرا نور خورشید زندگی است. همانطور که مارتا (Martha) قهرمان داستان "سوء تفاهم" (Le Malentendu) می گوید: «خورشید همه چیز است زیرا به انسان روشنایی زندگی می بخشد.» (Camus, ۱۹۶۵: ۱۵۶) خورشید آنقدر در زندگی مارتا و مادرش تأثیر دارد که برای رسیدن به آن ژان (Jan) را با همدستی مادر از بین می برد بی آن که بداند ژان برادر او است. او ژان را از بین می برد تا با دست یافتن به پول های او به سرزمینی برود که در آن نور خورشید می تابد و گرمابخش است. در کتاب «طاعون» (La Peste) نور خورشید و طاعون هر دو باعث نابودی اند. قهرمانان داستان «طاعون» بی آن که بدانند آیا از گرمای خورشید است و یا از طاعون، تمامی درها و پنجره ها را می بندند تا خود را محافظت کنند. زیرا نور خورشید نیز به اندازه طاعون کشنده و مرگبار است و تفاوتی با طاعون ندارد. طاعون انسان را از پای در می آورد و گرمای نور خورشید نیز نابود کننده است. اما آیا می توان بدون همین نور

خورشید در ظلمت و تاریکی زندگی کرد؟ نور خورشید در نزد مردمان آفریقا هم درخشندگی، شکوه، جلال، آزادی و روشنگری است و هم گرمای آن نماد مرگ و نیستی و سیاهی است. نور خورشید سرچشمه زندگی و هراس از مرگ است.

دریا نیز مانند خورشید در آثار آلبر کامو نشانی از باروری دارد. دریا را می توان در نوشته های کامو نمادی از آب زهدان مادر دانست که در آن جنین شکل گرفته و بزرگ می شود. کامو می گوید: "من در آب رشد کرده ام." (Camus, ۱۹۶۵: ۸۷۹) که می تواند اشاره ای به آب زهدان مادر باشد که او در آن رشد و نمو یافته است. اما همین که از زهدان مادر برون می آید می نویسد: "دریا را گم کرده و از دست داده ام." (Idem)

دریا نماد سکوت و آرامش، آزادی و آزادگی است. دریا پاک کننده هر آنچه که تاریک و سیاه است. دریا نمادی از عصیان علیه ظلم و جور است. پناهگاهی برای فرار از طاعون، ظلمت و سیاهی است. دریا نشانی از آزادی انسان در مقابل ظلم و جور است. اما در عین حال نیز مانند خورشید چهره دیگری نیز دارد. او پناهی برای مرگ است. جایگاهی است که در پایان کتاب «سوء تفاهم» قهرمان داستان به آن انداخته می شود. دریا مکان خودکشی مادری است که فرزند خود را در آن جای داده است.

در کتاب «سقوط» (la chute) رود سن مکانی برای خودکشی دختری است که از زندگی دست شسته و چاره ای جز خودکشی ندارد از نظر او رسیدن به آب شاید همان زندگی دوباره است. نماد دریا در آثار کامو همانا مادری است که همواره در سکوت و فقر فرزندان خود را بزرگ می کند. دریا نمادی برای فرار از زشتی های زندگی است و در برگیرنده انسانی است که در دنیای ظلم و جور غرق شده است. اما نمادی است از مادری پاک و مهربان. مرسو قهرمان داستان «بیگانه»، نور خورشید را که همانا نماد پدر است از بین

می برد تا به سوی مادر که همانا دریا است برود. پدر از بین رفته و محبتی به کامو نکرده است پس همه چیز در محبت مادر یعنی دریا خلاصه می شود. پس باید به سوی دریا رفت تا از مهربانی آن محبت جست. از دید نقد روانکاوی نیز " دریا حکم مادری را دارد که همه چیز به او وابسته است و بدون آن نمی توان زندگی کرد" ۱۰. در واقع از نظر فروید (Freud) " پدر سدی است برای رسیدن به مادر." ۱۱ پدر جان خود را در جنگ از دست داده و دیگر به صورت موجودی خیالی است که نقشی را ایفا نمی کند. اما این مادر است که با تمام مشکلات خصوصاً فقر، کودکان خود را بزرگ کرده و به زندگی ادامه داده است. پس همان دریایی است که کامو در کتاب های خود به آن اشاره کرده و پناهگاه امن فرزندان است. کامو کودکی خود را تنها با مادر و برادر کوچک خود می گذراند زیرا پدری ندارد تا از محبت او لذت ببرد. پدری ندارد که از او و برادرش مراقبت کند. پس تمامی عشق و علاقه کامو مختص مادر می شود.

سایه مادر گرمی بخش دل آلبر کودک است مادر به او قوت قلب می دهد تا از فقر نهراسد. مادر روشنی بخش دل کامو است با محبت مادر است که او دوران سخت استعمار غرب را در کشورش تحمل می کند. در زیر نور خورشید او و دیگر الجزایری ها چکمه های استعمار غرب را حس می کنند و برای رسیدن به آزادی و آزادگی به دریا یعنی مادر روی می آورند. اوست که می تواند گریز و پناهی برای رسیدن به آزادی و عصیان در مقابل استعمار غرب باشد و به کامو قوت قلب دهد.

نتیجه گیری :

طبیعت پناهگاهی است برای تحمل ظلم و جور. تمثیل و نماد دریا و خورشید قوت بخش دل های مردمان الجزایر است که با فقر بسیار به زندگی خود ادامه می دهند اما دل خوش دارند که در کنار دریا و خورشید زندگی می کنند. زیرا بدون روشنایی و پاکی یعنی خورشید و دریا نمی توان به زندگی ادامه داد. طبیعت با انسان در ارتباط مستقیم است و به او نیرو می دهد تا بتواند به زندگی خود ادامه دهد. اما در آثار کامو همین دریا و خورشید خود از بین برنده انسان است. در کتاب "بیگانه" خورشید روشنایی و مرگ است. در "سو تفاهم" قهرمانان داستان برای رسیدن به روشنایی و نور خورشید دست به قتل می زنند و ژان را از بین می برند. اما خود را در مرداب غرق می کنند که در اینجا مرداب از بین برنده زندگی است. در کتاب "طاعون" با برآمدن روشنایی طاعون که همان نازیسم در اروپا است از بین می رود. نماد دریا و خورشید هم زندگی بخش است و هم انسان را از بین می برد. در تمامی نوشته های کامو دو گانگی بین عناصر طبیعت به گونه ای بسیار مشهود به چشم می خورد که خود از زندگی بسیار سخت او در دوران کودکی است.

منابع و مأخذ

- ۱- Chevalier,(J) *Dictionnaire des Symboles*.Edition, Laffont, Paris ۱۹۶۹.
- ۲- Durand, (G), *L'imagination Symbolique, Initiation Philosophique*, Edition O.U.F., Paris ۱۹۶۸.
- ۳- Camus , Albert , *Essais*, Edition Gallimard , Paris, ۱۹۶۵, p ۲۰۱.
- ۴- Camus , Albert, *Essais*, op.cit.
- ۵- Camus,Albert, *Théâtre , récits, nouvelles*, Edition Gallimard , Paris, ۱۹۶۵.
- ۶- Camus , Albert, *Essais*, op.cit.
- ۷- Camus,Albert, *Théâtre , récits, nouvelles*,op.cit.
- ۸- Camus , Albert, *Essais*, op.cit.
- ۹- Idem
- ۱۰- Desprats- Péquignot,(C) , *La Psychanalyse*,Édition La Découverte , Paris ,۲۰۰۲.
- ۱۱.Desprats- Péquignot,(C), *La Psychanalyse*, op.cit.